ادامه از صفحه اول

## جزییات سوال ۱۰۰ نماینده از رییس‌جمهور

... و آن را اقدامی برای تضعیف دولت به شمار می‌آورند، سوال از رییس‌جمهور مانند سوال از وزیر برای روشن شدن ابهامات و زدودن گرد و غبارها از روی واقعیت و نزدیک شدن افکار به یکدیگر و یافتن راه‌حل‌ها برای معضلات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است؛ البته مطهری در رابطه با این سوال ویژه توصیه همیشگی‌اش به رسانه‌ها را تکرار کرد. او معتقد است رسانه‌ها باید آن را طبیعی جلوه دهند و نباید بزرگ‌تر از آنچه هست، معرفی کنند. این نماینده مجلس معتقد است انجام سوال از رییس‌جمهور نشانه استحکام دموکراسی در ایران و محکم بودن پایه‌های نظام جمهوری اسلامی است. در مجموع این امر را مفید به حال نظام و جهت اصلاح امور و وحدت بیشتر میان مجلس و دولت می‌دانم. نمایندگان امضاکننده سوال نیز با همین نیت سوال را امضا کرده‌اند و به هیچ‌وجه قصد تضعیف دولت، در کار نیست. تنها یک پرسش و پاسخ است که نمایندگان و مردم پاسخ را می‌شنوند و حتی بحث قانع شدن یا نشدن مجلس و رای‌گیری برای آن مطرح نیست؛ البته این کار باعث اقتدار مجلس و تمکین بیشتر دولت از قانون خواهد شد. تقدیم طرح سوال از احمدی‌نژاد به هیات‌رییسه مجلس در حالی است که احمد توکلی به عنوان یکی دیگر از نمایندگان اصولگرای مجلس که مانند مطهری انتقادهایی به روند دولت دارد، است و تلویحا خواستار ارایه راهکارهای دیگر به جای طرح سوال شده است. او ماده ۲۳۳ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی را اهرم کارآمدتری برای وادار کردن قوه مجریه به تصحیح رفتارهای اشتباه خود می‌داند، چراکه به گفته توکلی با اجرای این ماده و ارایه گزارش به صحن علنی مجلس شورای اسلامی برای بررسی عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور، دیگر نیازی به استیضاح وزیر یا تحقیق و تفحص از وزارتخانه مربوطه نیست. توکلی در واکنش به ارایه طرح سوال از رییس‌جمهور به هیات‌رییسه مجلس شورای اسلامی گفته است: طرح سوال از رییس‌جمهور حق نمایندگان است و نمایندگان مجلس شورای اسلامی حق سوال و استیضاح و تذکر به رییس‌جمهور را دارند اما باید توجه کرد که این طرح سوال به نفع مردم بوده و مشکلات را کمتر کرده و عیوب را کاهش می‌دهد. طرح سوال از رییس‌جمهور برای نخستین‌بار ۲۰ مهر در چهار محور، اظهارات رییس‌جمهور درخصوص جایگاه مجلس و اینکه مجلس در راس امور نیست، عدم توجه به مسایل فرهنگی جامعه و مساله عفاف و حجاب و اظهارات اسفندیار رحیم‌مشایی، رییس دفتر رییس‌جمهور درخصوص مکتب ایرانی به جای مکتب اسلامی و عدم اجرای قانون اختصاص دو میلیارد دلار به مترو در مجلس کلید خورد و در جلسه همان روز به امضای هشت نماینده مجلس رسید. در همان زمان تعدادی از نمایندگان اصولگرا از مطهری خواستند تا سوال از احمدی‌نژاد را مسکوت بگذارد؛ توصیه‌ای که مطهری هرگز به آن عمل نکرد. اما حالا و در حالی که مجلس و دولت روزهای بسیار پرحاشیه‌ای را پشت سر می‌گذارند، مطهری سوالش را به هیات‌رییسه مجلس رسانده است؛ سوالی با صد امضا؛ این در حالی است که حسب قانون امضای یک چهارم نمایندگان برای طرح سوال از رییس‌جمهور کافی است. با این حساب مطهری نزدیک به ۳۰ امضا بیش از حد نصاب برای اینکه رییس‌جمهور را به مجلس بکشاند امضا جمع کرده است. حالا که مطهری طرح سوالش از رییس‌جمهور را به هیات‌رییسه مجلس رسانده است، کسی دیگر نمی‌تواند از کنار آن به راحتی و با بی‌خیالی عبور کند.

**مسعود پزشکیان: اگر مجلس کوتاهی نمی‌کرد طرح سوال از احمدی‌نژاد زودتر عملی می‌شد**

نماینده تبریز علت به تاخیر افتادن سوال از رییس‌جمهوری را کوتاهی مجلس در این زمینه عنوان کرد و افزود: مشکل اصلی را باید در مجلس جست‌وجو کرد، نه در دولت. مسعود پزشکیان در گفت‌وگو با ایلنا، افزود: باید مجلس بر اجرای قانونی که تصویب کرده به دقت نظارت می‌کرد و پیگیر اجرای قانون می‌شد و وقتی خطایی دید، باید وارد عمل می‌شد و جلو تکرار آن را می‌گرفت. وی با اشاره به اینکه طرح سوال از رییس‌جمهور عجیب نیست، گفت: خیلی وقت پیش باید طرح سوال از رییس‌جمهور عملی می‌شد و به تخلفاتی که دولت در عدم اجرای قانون داشته رسیدگی و از مجری قانون سوال می‌شد. پزشکیان با تاکید بر اینکه سوال کردن بد نیست، گفت: عرف خواستار اجرای قانون از جانب مجری قانون است؛ یعنی در حقیقت این دولت است که وظیفه اصلی اجرای قانون را بر عهده دارد اما وقتی به قانون عمل نمی‌کند، باید توضیح بدهد. وی با اشاره به اینکه مشکل اصلی را باید در مجلس جست‌وجو کرد، نه در دولت، افزود: گروه‌های خاصی در مجلس خواستار به تعویق افتادن طرح سوال بودند، از این رو این امر تاکنون محقق نشده است. وی افزود: دولت باید براساس اطلاعات و آمارهای دقیق علت عدم اجرای قانون را بگوید. اگر قرار بر این باشد که قانون نوشته شود و مجری آن را عمل نکند، پس چرا قانون می‌نویسیم؟ پزشکیان گفت: این مسایل که عنوان می‌کنند مجلس به خاطر مشکلاتی که با دولت دارد طرح سوال را به جریان انداخته، صحیح نیست. وقتی مجری از وظایف خود تخطی می‌کند از نظر شرعی، عقلی و عرفی باید پاسخگو باشد. وی افزود: باید مجلس بر اجرای قانونی که تصویب کرده به دقت نظارت می‌کرد و پیگیر اجرای قانون می‌شد و وقتی خطایی دید، وارد عمل می‌شد و جلو تکرار آن را می‌گرفت. وی با تاکید بر اینکه برای پیشبرد اهداف بلند مدت نظام و چشم‌انداز توسعه که مورد توجه رهبری نیز هست باید دو نکته را در نظر گرفت، افزود: نکته اول، برنامه و نقشه راهبردی است و نکته دوم، معمار توانمندی که قادر به اجرای طرح و برنامه باشد. پزشکیان گفت: بهتر است که مجلس با قاطعیت پیگیر این مساله باشد. هرچند که مجلس هیچ وقت قابل پیش‌بینی نیست؛ یک روز همه چیز را نادیده می‌گیرند و یک روز به شدت ایستادگی می‌کنند. اما تنها نکته‌ای که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد، حق مجلس در طرح سوال از رییس‌جمهور در ارتباط با عدم اجرای قوانین است.

### بررسی تروریسم در گفت‌وگو با علی یونسی:

# کار انحرافی‌ها تحمیل عقیده است

ادامه از صفحه‌اول

**ترورهای دهه ۶۰ در فضای سیاسی- اجتماعی ایران آن زمان چه تاثیری داشت و آثار و تبعات آن ترورها چه بود؟**

برای توضیح آن دوران و شرایط به وجود آمده که منجر به ترورهای دهه ۶۰ شد باید نخست به دهه ۵۰ برگشت و شرایطی را که منجر به پیروزی انقلاب شد را اجمالا مورد بررسی قرار داد. دهه ۵۰ دوران مخصوصی هم برای رژیم شاه و هم برای مخالفان رژیم شاه بود. دهه ۵۰ تسلط بی‌چون و چرای حاکمیت بر تمامی امور بود و شاه در اوج اقتدار خود قرار داشت. تقریبا تمامی مخالفان خود را از صحنه خارج کرده و شکست داده بود. در آن دوران مخالفان یا در زندان گرفتار شده، یا وادار به سکوت شده، یا از کشور متواری شده بودند. از نظر شاه امنیت کاملا برقرار بود و مخالفی با حکومت او وجود نداشت. در دهه ۵۰ به دلیل برخورداری از پول نفت، طرفداران زیادی در خارج از کشور برای خود به وجود آورد و بر این گمان بود که در داخل کشور و خارج آن مشکلی وجود ندارد و شاه افتخار می‌کرد که ایران جزیره امن است، در حالی‌که کشور در واقع دچار بحران بود و هر روز بر تعداد ناراضیان اضافه می‌شد. در آن زمان مخالفان شاه به دو گروه تقسیم می‌شدند، گروهی که اعتقاد به مبارزات مسلحانه و تروریستی داشتند و گروه دیگر که عملیات تروریستی را قبول نداشتند و معتقد به مبارزه مدنی بودند اما تقریبا همه مخالفان مسلح رژیم شاه در آن برهه شکست خورده بودند.

**موافقان و مخالفان مسلح رژیم شاه دقیقا چه گروه‌هایی بودند؟**

گروه‌های مسلح عمدتا مجاهدین خلق و فداییان خلق بودند، البته گروه‌های مسلح دیگری نیز بودند اما دو گروه مذکور نقش اصلی را داشتند که با حمله نیروهای امنیتی کاملا زمین‌گیر شده بودند و هیچ کاری نمی‌توانستند انجام دهند. بنابراین در دهه ۵۰ هم دهه شکست کامل گروه‌های مخالف شاه و دهه حاکمیت مطلق استبداد رژیم بود و انقلاب اسلامی در زمانی آغاز شد که اوج یاس مخالفان رژیم شاه و اوج اقتدار و امیدواری رژیم شاه بود. پیش از سال‌های ۵۷-۵۶ هیچ‌کس گمان نمی‌برد که انقلابی مردمی، همه‌گیر و مذهبی به رهبری امام (ره) به پیروزی برسد. مبارزه مردمی و مسالمت‌جویانه امری نبود که گروه‌های سیاسی توان به راه انداختن آن را داشته باشند. بیشتر آنان معتقد بودند که سرانجام باید یا از راه کودتا یا جنگ مسلحانه یا دخالت خارجی می‌توان کاری کرد. گروه‌های شبه‌مارکسیستی یا شبه اسلامی مجاهدین خلق (مجاهدین خلق یک گروه نیمه مارکسیستی و نیمه اسلامی بود) عمدتا بر چنین اعتقادی بودند. یعنی معتقد بودند که تنها راه نجات جنگ مسلحانه است و زمانی که انقلاب شروع شد آنان اظهار می‌کردند که انقلاب به جایی نمی‌رسد. حتی وقتی هم از زندان آزاد شدند شدیدا می‌ترسیدند و گمان می‌کردند که این یک نمایش یا مانور از سوی حاکمیت و یک بازی است. البته دوران طولانی زندان نیز مغز آنان را منجمد کرده بود. گروه‌های مسلح دچار رکود و دگم‌اندیشی ایدئولوژیک شده بودند و فکر نمی‌کردند که راهی برای خروج از بن بست سیاسی وجود داشته باشد، بنابراین می‌گفتند که تمامی اینها بازی است تا اینکه انقلاب پیروز شد. پس از این مقطع گروه‌های تروریستی ضدشاه به دو بخش تقسیم شدند، یک اقلیت معدود به انقلاب پیوستند و اکثریتی مخالف با اینکه این اکثریت نقشی در پیروزی انقلاب نداشتند اما از مدعیان و طلبکاران اصلی انقلاب شدند.

**یعنی چه طلبکار انقلاب شدند؟ آیا می‌خواستند در دولت نقش داشته باشند و به آنها پست سیاسی داده شود؟**

از همان روزهای نخست پیروزی انقلاب این گروه‌ها سهم‌خواهان اصلی بودند و بیشترین سهم را از انقلاب می‌خواستند. از این رو زمانی که نتوانستند به خواسته‌های خود برسند شروع به سنگ‌اندازی و مزاحمت و دادن شعارهای انحرافی یا تجزیه‌طلبی و دادن شعارهای خطرناک مانند انحلال ارتش کردند. مجاهدین هم شعار انحلال ارتش را سر می‌دادند و هم حاضر نبودند اسلحه‌هایشان را تحویل بدهند و به دلیل هرج و مرج روزهای اول انقلاب عمده انبارهای اسلحه به دست مردم افتاده بود. در نتیجه مردم و انقلابیون مسلح بودند. از این رو امام (ره) از مردم خواستند که اسلحه‌هایشان را تحویل دهند و مردم اسلحه‌هایشان را تحویل دادند. مردم و بعضی از گروه‌ها هم سلاح‌هایشان را تحویل دادند اما مجاهدین خلق این کار را نکردند. انقلاب اسلامی نوپا بود و می‌بینید شخصیتی مثل مطهری که می‌توانیم بگوییم ایدئولوگ اصلی انقلاب اسلامی بود، هدف قرار گرفت. قبل از آن شهید عراقی را هدف قرار دادند و قبل از ایشان شهید قرنی را به شهادت رساندند. از همان روزهای نخست بعضی گروه‌های شبه‌اسلامی مثل فرقان یا کمونیستی مثل اشرف دهقان شروع کردند به ترور و بنابراین اقدامات تجزیه‌طلبانه یا اعمال تروریستی از همان فردای پیروزی انقلاب اسلامی توسط برخی از گروه‌های کمونیستی یا شبه‌اسلامی آغاز شد.

**به گروه فرقان اشاره کردید. انگیزه‌های ترور در آن زمان بیشتر با نگاه مذهبی و ایدئولوژیک بود یا قدرت‌طلبانه و ضربه زدن به انقلاب؟**

انگیزه‌ها فرق می‌کرد. اگر منصفانه بخواهیم بگوییم گروه فرقان یک گروه مذهبی اما انحرافی بود. حالا در مغز رهبر این گروه چه می‌گذشته را شاید نشود به راحتی قضاوت کرد. اما مجاهدین خلق، هدف سیاسی داشتند. تجزیه‌طلب‌ها هدف سیاسی داشتند، گروه‌هایی که در کردستان، در ترکمنستان و در بعضی از جاها دست به کارهای خرابکارانه می‌زدند، هدف سیاسی داشتند. البته مجاهدین خلق با تاخیر دست به اسلحه بردند ولی در همان وقت هم اسلحه جمع می‌کردند، هم تهدید می‌کردند و هم با گروه‌های تجزیه‌طلب همسو بودند.

**چه شد که مجاهدین و گروهای دیگری که اشاره کردید پس از یک سال اول انقلاب به فعالیت‌های تروریستی روآوردند؟**

مجاهدین خلق از سال ۶۰ وارد فاز نظامی شدند، ولی تا پیش از آن بیشترین تخریب روحی و سیاسی متعلق به همین گروه بود. تقریبا همه کارها را مختل کرده بودند و اجازه نمی‌دادند که هیچ کاری صورت بگیرد. در مقابل هر کار مثبتی، شعار مخالف می‌دادند. به طور مثال مدت زیادی تلاش کردند که مرحوم آیت‌الله طالقانی را در مقابل امام (ره) قرار دهند که موفق نشدند، بعد که هم بنی‌صدر را جدا کردند، در حالی‌که اینها از اول دو طیف بودند. بنی‌صدر با مجاهدین خلق مخالف بود و مجاهدین نیز با بنی‌صدر مخالف بودند یعنی دو طیف مخالف هم بودند.

**یعنی تمام راه‌ها را امتحان کردند و سپس به واکنش نظامی رسیدند؟**

آنها همه راه‌های ضدانقلابی و کارشکنی را رفتند. مهم‌ترین مساله آن موقع خلق‌سلاح بود و باید سلاح‌هایشان را تحویل می‌دادند که تحویل ندادند. در آن زمان که همه چیز منتشر می‌شد آنها نامه‌ای را در روزنامه‌ها به امام نوشتند و از امام خواستند که آنان اجازه ملاقات بدهد، امام هم فرمودند اول شما سلاح‌هایتان را زمین بگذارید تا با شما ملاقات کنم، تا زمانی که شما می‌خواهید با اسلحه هدف‌تان را به کرسی بنشانید من با شما دیدار نمی‌کنم. شما اسلحه را زمین بگذارید من پیش شما می‌آیم.

مجاهدین خلق، فداییان خلق و حزب توده و همه گروه‌های سیاسی که در میدان رقابت کم آوردند به شیوه‌های تروریستی روآوردند و در رقابت سیاسی کم آوردند و چون در رقابت سیاسی کم می‌آوردند، حتی یک عده از آنها می‌گفتند که ما انتخابات نمی‌خواهیم و برگزاری انتخابات زود است.

> ■ همیشه اصل غافلگیری برای گروه‌های تروریستی مهم‌ترین اصل است
> ■ بزرگ‌ترین ویژگی همه کسانی که دست به اسلحه می‌برند اول تن ندادن به قانون است
> ■ در انتخابات چه افشاگری‌های خلاف شرعی صورت گرفت، همان موقع باید جلوی آنها گرفته می‌شد

**پس می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که به اعتقاد شما چون آنها در فضای رقابت سیاسی به پیروزی نمی‌رسیدند دست به ترور و حرکت‌های خشونت‌آمیز می‌زدند؟**

بله! کاملا درست است. گروه‌هایی که در میدان سیاسی نمی‌توانستند رقابت کنند و کم می‌آوردند به شیوه‌های ضداخلاقی، ضددموکراتیک و ضدانسانی روی آوردند. این شیوه ضدانسانی بین مذهبی‌ها نبود اما بعدها بعضا به گروهک‌های اسلامی نیز سرایت کرد.

**بحثی مطرح کردید مبنی بر اینکه اکثریت گروه‌های چپ و سازمانی که مخالف انقلاب بودند، هیچ نقشی در به ثمر نشستن انقلاب نداشتند. شاید همین دیدی که نسبت به آنها وجود داشت، سبب تندروی‌ها شد. به هر حال بسیاری از آنها از دهه ۴۰ مبارزه را شروع کرده بودند، زندان رفته بودند، شکنجه شده بودند. انقلاب یک مرتبه به پیروزی نرسید، یک پیش‌زمینه‌هایی داشت که مبارزه‌های این گروه‌ها در آن نقش داشت. همین دیدی که نسبت به آنها وجود داشت باعث نشد که یک مقدار به سمت تندروی و مخالفت بروند؟**

دهه ۵۰ میدان آزمایش همه ایدئولوژی‌ها بود. بسیاری از روش‌هایی که گروه‌های مبارز طی کردند به نتیجه نرسید. امام خمینی و بعضی از رهبران انقلابی دنیا نیز پیش‌بینی می‌کردند که این روش‌ها به نتیجه نخواهد رسید. آنها می‌گفتند حکومتی اگر با زور از بین برود تبدیل به یک حکومت زور دیگر می‌شود، یعنی اگر قدرت شاه که یک حکومت دیکتاتور و استبدادی بود با زور سرنگون می‌شد حکومت زورگوی دیگری جایگزین آن می‌شد. نکته دوم آنکه بسیاری از گروه‌های مخالف شاه مثل مجاهدین خلق به شدت تحت تاثیر گروه‌های مارکسیستی قرار داشتند، هم در ایدئولوژی، هم در تاکتیک و در استراتژیک و هم در هدف سعی می‌کردند مانند آنان رفتار کنند. در درون مجاهدین خلق کسانی بودند که با این روش‌ها مخالف بودند ولی به دلیل مخالفت مورد تسویه قرار گرفتند و اتفاقا با تسویه خونین کنار گذاشته شدند و در نتیجه کودتای داخلی، گروه مجاهدین خلق در اختیار رجوی قرار گرفت. همه کسانی که در درون تشکیلات با مشی اتخاذ شده مخالف بودند به شیوه‌های بسیار خشنی از بین رفتند مانند شریف که یکی از بنیان‌گذاران مجاهدین خلق بود اما چون مخالف این شیوه بود به صورت وحشیانه‌ای او را سوزاندند و از بین بردند. تسویه‌های درون گروهی آنان همیشه خونین و خشن و وحشیانه بود، به همین دلیل نیز در درون زندان روحانیون و مذهبی‌ها از آنها جدا شدند و این سرآغاز جدایی و تفکیک بود و مرحوم شریعتی نیز مقالاتی در زندان در رد مارکسیست نوشت، عمدتا به این دلیل بود. به این ترتیب عملا مبارزان به دو گروه تقسیم شدند. گروه مجاهدین خلق که تمایل شدیدی به کمونیست‌ها داشتند و گروه مذهبی‌های مخالف شاه که این گروه دوم و روحانیون به دلیل اطلاعاتی که از گروه مجاهدین خلق داشتند نمی‌توانستند به آنها اعتماد کنند. ایشان انتظار داشتند که مجاهدین خلق، ماجراجویی‌های داخل زندان را کنار بگذارند و با گروه‌های انقلابی تعامل و همکاری کنند و در مقابل موج عظیم انقلاب نایستند. اما آنان در مقابل انقلاب ایستادند و سرشاخ شدن با انقلاب قطعا نتیجه‌اش شکست است. مجاهدین خلق علاوه بر انحرافات اساسی فهم درستی هم از شرایط داخلی کشور، انقلاب و مردم نداشتند وگرنه با مردم و انقلاب درنمی‌افتادند. به نظر من مجاهدین خلق خسارات غیرقابل جبرانی وارد کردند.

**به اعتقاد شما این ضربه‌ها چه بود؟**

به اعتقاد من منافقین چهار ضربه اساسی زدند. نخست اینکه آنان ملت ایران و انقلاب اسلامی را از شخصیت‌های بزرگ مانند شهید بهشتی، شهید مدنی، شهید صدوقی، رجایی، باهنر و ده‌ها شخصیت بزرگ انقلابی محروم کردند. ضربه دوم گمراه کردن هزاران جوان و نوجوان و هدر دادن نیرو و انرژی آنها است. یعنی یک بخش عظیمی از انرژی جوانان ما را که می‌توانست در خدمت ملت قرار بگیرد، هدر دادند. سوم رایج کردن و نهادینه کردن خشونت و تنگ‌نظری در کشور بود. اگر گاهی می‌بینید که در گوشه‌هایی از کشور اتفاق‌هایی مانند جریان کهریزک یا بعضی از مسایل در زندان‌ها رخ می‌دهد نتیجه و عکس‌العمل رفتار، خشونت و تنگ‌نظری بود که مجاهدین خلق از کمونیست‌ها گرفته و رواج دادند، این جنایت بزرگ‌تر از هر جنایت دیگری است. حتی می‌توان گفت حرکات تند گروه‌های تروریستی مانند القاعده نشات گرفته از مجاهدین خلق است.

**گفته می‌شود که اگر به مجاهدین خلق اجازه راهپیمایی داده می‌شد و از سخت‌گیری بعضی از مقامات دادستانی جلوگیری به عمل می‌آمد، مجاهدین خلق دست به آن فاجعه نیز نمی‌زدند. مرحوم سحابی در مصاحبه‌ای به‌گونه‌ای تلویحا به آن اشاره کرده است. نظر شما چیست؟**

این خیلی بی‌انصافی است. سال‌های ۵۹-۵۸ مجاهدین خلق و دیگر گروه‌ها همه‌جا و هر روز راهپیمایی به راه می‌انداختند. شما به آرشیو روزنامه آن سال‌ها مراجعه کنید. اگر عناصر متخلف و مجرمی از آنان دستگیر می‌شدند در زندان طرف مذاکره و مشورت قرار می‌گرفتند. حتی با گروه‌های تروریست مثل فرقان و اشرف دهقان. نخستین ترور را گروه فرقان انجام داد و تا آن زمان نیز هیچ برخوردی با آنان صورت نگرفته بود. همان زمان چه دادستانی و گروه‌های دیگر کوچک‌ترین تندروی در مقابل آنها انجام ندادند، بلکه با این گروه‌ها مذاکره می‌کردند. حتی در زندان نیز با این افراد مذاکره و بحث می‌کردند. در آن زمان همه سعی و تلاش بر این بود که به آنها تفهیم شود که راه اعمال قدرت و زور غلط است. در آن زمان ما هنوز قانون اساسی و مجلس نداشتیم و هنوز جمهوری اسلامی شکل نگرفته بود و انقلاب اسلامی هنوز توسط مردم به صورت داوطلب اداره می‌شد. خیلی از این مسوولان آن زمان اسلحه به دوش داشتند و امنیت را برقرار می‌کردند یا آذوقه به مردم می‌رساندند. در شرایطی که دوران انتقال و گذر بود توقع این بود که این گروه‌ها بیایند و همکاری کنند و امنیت برقرار کنند، نه اینکه خود شرایط را ناامن کنند. دولت موقت دولتی بود که غالبا از این گروه‌ها حمایت می‌کرد، ولی همین گروه‌ها مدام علیه آن دولت کارشکنی می‌کردند، حادثه کردستان در زمان دولت موقت بود، حادثه گنبد در همان دوران بود، این ترورها در زمان دولت موقت بود. یعنی در آن دوره توقعی که از این گروه‌ها بود، این بود که همکاری کنند، راهنمایی کنند و اطلاعاتی که داشتند را در اختیار دولت قرار دهند ولی همان دولتی که اینها را قبول داشت، آنها دولت را قبول نداشتند و بیشترین توهین‌ها را به دولت می‌کردند، می‌گفتند دولت آمریکایی و لیبرال است و همکاری نمی‌کردند.

**پس تندروی را قبول ندارید؟**

تندروی‌ها اول از ناحیه گروهک‌ها شروع شد.

**یعنی تا ۶۱-۶۰ تندروی از این طرف نداشتیم؟**

تندروی‌ها نخست از جانب گروه‌های مخالف بود و سپس هم بعضا به دولت‌ها سرایت کرد. یعنی عمل تند آنها موجب عکس‌العمل تند شد. یک خاطره‌ای از مرحوم بهشتی می‌خواهم بگویم. آن موقع ایشان رییس دیوان عالی کشور بودند. بیشترین اهانت و تندروی‌ها نسبت به آیت‌الله بهشتی به‌خصوص از جانب مجاهدین خلق بود. هر گوشه مملکت را نگاه می‌کردید یا شعار اهانت‌آمیز به شهید بهشتی نوشته بودند یا مرگ بر بهشتی را در همه جا راه انداخته بودند. در حالی که قدرت قضایی در دست بهشتی بود ولی با یک نفر از آنها برخورد نمی‌کرد، ایشان با آنان رفتار مسالمت‌آمیز و اخلاقی داشتند و همه آنان را به مناظره و مذاکره دعوت می‌کردند. سال ۶۰ یک روز برای ارایه یک گزارش قضایی به مرحوم بهشتی به کاخ دادگستری رفتم، کاخ دادگستری توسط هواداران مجاهدین خلق محاصره شده و با صدای بلند مرگ بر بهشتی می‌گفتند و همه منطقه را گرفته بودند. می‌خواستم وارد کاخ دادگستری شوم، نتوانستم من از یک راه فرعی وارد کاخ دادگستری شدم، دیدم ایشان خونسرد کارشان را انجام می‌دهند. آن همه سر و صدایی که بیرون بود، کوچک‌ترین تاثیری در ایشان نداشت ولی من خیلی ناراحت شده بودم. آقای بهشتی همیشه با خنده و روی باز با همه ملاقات می‌کرد. مرحوم بهشتی مثل همیشه و بی‌توجه به شعارهای اهانت‌آمیز مجاهدین خلق با من با روی باز و تبسم ملاقات کرد.

**شما به عنوان یکی از افرادی که با دکتر بهشتی رفت و آمد داشتید چه ویژگی‌های دیگری را برای ایشان متصورید؟**

آیت‌الله دکتر بهشتی حقیقتا عالم به زمان بود، عالم به زمان کسی است که فریب نمی‌خورد. اگر دانشمندی زمان خودش را نشناسد، حتما متاثر از حوادث می‌شود. موثر نیست ولی اثرپذیر است. خیلی از دانشمندان هستند که نمی‌دانند در چه شرایطی هستند، حوادث بر آنها اثر می‌گذارد و آلت دست قرار می‌گیرند اما اگر چنانچه دانشمندی زمان‌شناس باشد آلت دست قرار نمی‌گیرد بلکه نقش‌گذار و تاثیرگذار در حوادث است نه تاثیرپذیر. دکتر بهشتی حقیقتا چنین شخصیتی بود. هم در علوم حوزوی صاحب‌نظر و مجتهد و هم در علوم دانشگاهی صاحب‌نظر بود و دنیا را می‌شناخت، ایران را می‌شناخت، مردم را می‌شناخت، فضای دینی کشور را می‌شناخت، فضای روشنفکری را می‌شناخت، مکاتب فکری دنیا را می‌شناخت و گروه‌های سیاسی را می‌شناخت. امام خمینی(ره) تعبیری نسبت به بهشتی داشت که برای هیچ شخصیت دیگری به کار نبرده است که بهشتی یک ملت بود. بهشتی جهانی و فرازمانی می‌اندیشید و در عین صلابت و دفاع از اصول خود مقابل دوست و دشمن هرگز از جاده انصاف و عدالت ذره‌ای منحرف نمی‌شد. دکتر بهشتی در اندیشه و عمل به جذب حداکثری و دفع حداقلی پایبند و ملتزم بود. از حقوق مخالفان خود دفاع می‌کرد.

ادامه در صفحه۱۶

## الو شرق ۸۸۶۵۴۳۹۰

■ **جبران هزینه‌ها:** اقشار حقوق‌بگیر هزار و یک مشکل دارند و این در حالی است که مسوولان شورای شهر تصمیم به افزایش کرایه وسایل نقلیه عمومی گرفته‌اند و با این اقدام باعث نارضایتی عده‌ای از شهروندان شده‌اند. از سویی برای پیشگیری از ترافیک و آلودگی هوا مردم را به استفاده از وسایل نقلیه عمومی تشویق می‌کنند و از طرفی به افزایش کرایه‌ها دامن می‌زنند. امیدواریم دولت هر چه سریع‌تر با پرداخت دیون خود، از هر گونه افزایش ایجادشده جلوگیری کند و کرایه‌ها را به حالت قبل بازگرداند تا شهروندان مجبور به پرداخت جبران هزینه‌ها نباشند.

علی‌اکبر فرقانی از تهران

■ **واگویه‌های مردم:** هر روز بر تعداد مخاطبان ستون الو شرق افزوده می‌شود، اما به نظر می‌رسد مسوولان روزنامه برای افزایش این ستون تصمیم تازه‌ای نگرفته‌اند. حال که درددل مردم رو به ازدیاد است، تقاضا داریم ظرفیت این ستون را افزایش دهید تا شهروندان گرفتار بتوانند واگویه‌های خود را از این طریق به اطلاع مسوولان برسانند.

رضا محبی

■ **بی‌پولی و گذران اوقات فراغت:** وقتی بی‌پول باشی و بدهکار، خواب هم به سراغ‌تان نخواهد آمد. فکر و خیال اینکه این ماه پول اجاره‌خانه و هزینه‌های زندگی را چگونه تامین یا اینکه با تعطیلی مدارس، غصه این را باید بخوری که فرزند دانش‌آموزتان را با چه هزینه‌ای در کجا ثبت نام کنی، سپس به این فکر هم باشی که اوقات فراغت در تابستان را چگونه بگذرانی و آن هم در شرایط بی‌پولی و نداری که با هم سازگاری ندارد، در حالی که کشور صاحب سرمایه‌های عظیم خدادادی و منابع طبیعی است چرا شهروندانش باید کاسه چه‌کنم در دست بگیرند!

معین گودرزی

■ **سهمیه تابستان چه می‌شود؟** تابستان سال‌های گذشته سهمیه‌ای را برای بنزین در نظر می‌گرفتند. ولی امسال هنوز هیچ خبری نیست. در ضمن ۶۰ لیتر سهمیه‌ای که می‌دهند فقط یک باک ماشین را جواب می‌دهد.

اصغر از تهران

■ **در مورد اندیشه صادق هدایت بنویسید:** در صورت امکان در مورد اندیشه‌های صادق هدایت نویسنده بزرگ معاصر ایران مطالبی بنویسید.

یک شهروند

■ **کیانمهر مهرشهر نیاز به آسفالت دارد:** حدود چهار، پنج سال است که در طرح ساماندهی کیانمهر مهرشهر خانه گرفتیم ولی هنوز نسبت به آسفالت آنجا اقدامی نشده و ما در رفت و آمد با مشکل مواجه می‌شویم. زمستان‌ها گل و لای و تابستان‌ها گردوخاک می‌شود.

بهنام از تهران

شرکت سما گستر کوهستان
شماره ثبت: ۱۲۴۲۴۱
سما گستر
تهران تا شمال
samagostar
شما در کدامیک از مناطق زیر علاقه مند به داشتن ویلا یا آپارتمان هستید ؟
۱ - تهران ۲ - شمیرانات(میگون) ۳ - کلاردشت ۴ - رویان (آب پری)
شرکت سماگستر در نظر دارد تعدادی آپارتمان در تهران و ویلا با کلیه امکانات و همچنین قطعات آماده به ساخت در شمال کشور را با شرایط ویژه واگذار نماید .
نقشه از شما ، ساخت از ما
۳۰٪ نقد ، الباقی در اقساط ۱۲ الی ۲۴ ماهه
تنها با پرداخت :
۱۵ میلیون تومان مالک ۲۵۰ متر زمین آماده به ساخت با کلیه امکانات در کلاردشت شوید .
۵۰ میلیون تومان مالک یک دستگاه آپارتمان ویلایی با کلیه امکانات در کلاردشت و کرج شوید .
۱۵۰ میلیون تومان مالک یک دستگاه ویلا ۳ خوابه با کلیه امکانات در کلاردشت شوید .
۴۰ میلیون تومان مالک ۴۰۰ متر مربع زمین با کلیه امکانات در رویان (آب پری) شوید .
۲۸۰ میلیون تومان مالک ۹۰ متر آپارتمان با کلیه امکانات در تهران (گیشا) شوید .
www.samagostar.com
تهران ، بزرگراه جلال آل احمد ، ضلع شمال شرقی پل گیشا ، مقابل دانشگاه مدیریت ، ساختمان پروانه ، طبقه ۲ ، واحد ۶
تلفن : ۸۸۰۲۸۳۳۷-۸۸۰۲۸۳۳۶-۸۸۰۲۸۳۳۵ فکس : ۸۸۶۳۱۹۲۱ همراه : ۰۹۱۲۴۵۰۷۰۱۷ - ۰۹۱۲۲۰۷۲۵۵۷